

توقف تنبیه بدنی

راهنمای درمانگران و متخصصان

ویراستاران
الیزابت تی. گرشف
شوانا جی. لی

ترجمه
دکتر اسماعیل سعدی پور
استاد دانشگاه علامه طباطبائی

خاطره خویین
فائزه سعدی پور

انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۲۰)



فهرست

مقدمه مترجمان.....	۵
مقدمه.....	۷
۱: آموزش مختصر آنلاین.....	۱۶
۲: سه کتاب کودک.....	۲۵
۳: مصاحبهٔ انگیزشی.....	۴۱
۴: به‌خوبی بازی کنید.....	۴۹
۵: محیط امن برای هر کودک (SEEK).....	۶۷
۶: پروژهٔ تعامل تصویری (VIP).....	۸۴
۷: مداخلهٔ آموزشی برای ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی درمانی.....	۹۶
۸: فرزندپروری مثبت در تربیت.....	۱۰۵
۹: برنامهٔ پرورش کودکان سالم (ACT).....	۱۲۰
۱۰: برنامهٔ والدین شیکاگو.....	۱۳۳
۱۱: برنامهٔ توانمندسازی مادران.....	۱۴۹
۱۲: برنامهٔ فرزندپروری مثبت.....	۱۶۱
۱۳: برنامهٔ منطقهٔ کتک ممنوع.....	۱۷۷
۱۴: ممنوعیت‌های قانونی تنبیه فیزیکی.....	۱۸۷
واژه‌نامهٔ انگلیسی به فارسی.....	۲۰۱
واژه‌نامهٔ فارسی به انگلیسی.....	۲۰۵

مقدمه مترجمان

تنبيه بر حسب تعريف عبارت است از ارائه يك محرک ناخوشايند به دنبال يك رفتار به منظور کاهش احتمال بروز آن رفتار در موقعيت‌های بعدی. برخلاف اين تعريف، نتايج بيش از يك قرن تحقيقات در کشورهای مختلف جهان گواه آن بوده است که تنبيه اعم از جسمانی يا روانی در کاهش احتمال بروز يك رفتار نامطلوب يا ناهنجار اثرگذار نمی‌باشد. متأسفانه هنوز در دهه سوم هزاره سوم در اغلب کشورهای دنيا، با وجود تحقيقات بسيار زيادی در مورد عوارض تنبيه و نیز عدم اثربخشی آن، والدین و معلمان در تربيت و آموزش کودکان و دانش‌آموزان از تنبيه استفاده می‌کنند. تحقيقات نشان داده است کودکان و نوجوانانی که مورد تنبيه قرار گرفته‌اند اولاً در بزرگسالی خود تنبيه‌گر می‌شوند و اين ماجرای غم‌انگيز در هر نسل تکرار می‌شود، ثانياً طبق پدیده شرطی‌سازی تنبيه‌شونده از تنبيه‌کننده بيزار می‌شود. ثالثاً روزی تنبيه‌شونده به تنبيه‌کننده تبديل خواهد شد و در نهايت تنبيه ممکن است باعث ايجاد انواع آسیب‌های جسمانی، مثل شکستگی، نابینایی، ناشنوایی و ... و يا بدتر از آن آسیب‌های روانی مثل ابتلا به انواع اضطراب و حمله‌های هراس، تیک و شکست‌های تحصیلی و ناسازگاری‌های اجتماعی و ... شود.

اگرچه تنبيه بدنی می‌تواند باعث آسیب شود و رفتار کودکان را بهبود نمی‌بخشد، اما در سراسر جهان رواج دارد. در يك مطالعه بزرگ مبتنی بر جامعه خانواده‌های شهری آمریکایی، ۵۳ درصد از مادران و ۴۴ درصد از پدران کودکان سه ساله اظهار داشته‌اند حداقل يك بار طی يك ماه قبل از پژوهش، فرزند خود را تنبيه کرده‌اند. شیوع میزان تنبيه بدنی در مطالعات ملی در امریکا بيش از ۸۰ درصد است این بدین معنی است که اکثر کودکان در ایالات متحده حداقل يك بار در طول زندگی خود تنبيه بدنی را تجربه می‌کنند. طبق مطالعات یونیسف در سال ۲۰۱۷ شیوع استفاده از تنبيه در سراسر جهان به همین میزان زیاد است: تقريباً دوسوم کودکان ۲ تا ۴ ساله (۶۳ درصد)

در یک نظرسنجی جهانی طی یک ماه گذشته از نظر جسمی تنبیه شده‌اند. اگرچه در مورد کشور ما آمار دقیق و درستی از میزان تنبیه کودکان و دانش‌آموزان توسط والدین و معلمان وجود ندارد اما تجارب بالینی نشان می‌دهد که استفاده از تنبیه در کشور ما اگر بیشتر از متوسط جهانی نباشد کمتر نیست.

در این کتاب به ۱۴ مداخله درمانی برای روان‌شناسان، مشاوران و روان‌پزشکان برای پیشگیری و درمان مشکلات ناشی از تنبیه بدنی پرداخته شده است. برخی از این مداخلات و روش‌های درمانی در سطح فردی و برخی در سطح اجتماعی قابل استفاده هستند. نویسندگان کتاب خاطر نشان کرده‌اند اثربخشی هر برنامه در کاهش استفاده از تنبیه بدنی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین معتقدند که مداخلات و درمان‌های موجود در این کتاب برای روان‌شناسان بالینی که با خانواده‌های خاص یا گروه‌هایی از خانواده‌ها کار می‌کنند، درمانگرانی که امیدوار هستند به‌طور گسترده‌ای فرزندپروری درست را ارتقا دهند و سیاست‌گذارانی که در صدد هستند همه اشکال خشونت علیه کودکان را در سطح ملی کاهش دهند، مفید خواهد بود. مطالعه و کاربرد تکنیک‌ها و روش‌های مداخله‌ای این کتاب، راهنمای بسیار خوبی برای روان‌شناسان، مشاوران، معلمان و والدین عزیز خواهد بود.

یادآوری این نکته ضروری است که فصل دوم این کتاب به یک مداخله درمانی برگرفته از کتب مقدس به‌ویژه انجیل اختصاص داشت ولی مترجمان به دلیل رعایت ملاحظات دینی و فرهنگی آن را حذف کرده‌اند. مترجمان از مطالعه و ترجمه این کتاب بهره فراوان بردند امید است شما خوانندگان عزیز نیز چنین تجربه‌ای داشته باشید.

آبان ماه ۱۴۰۰

مقدمه

دلیل کاهش تنبیه بدنی

الیزابت گرشف و شاونا لی

بسیاری از والدین به این علت از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند که امیدوارند فرزندانشان سازگارتر و رفتار بهتری داشته باشند. با وجود این، چندین دهه تحقیق در مورد استفاده والدین از تنبیه بدنی نتیجه‌گیری روشنی را نشان داده است که تنبیه به طور کلی و زدن به پشت بچه‌ها به طور خاص، در بهبود رفتار کودکان بی‌اثر است و در واقع منجر به بدتر شدن رفتار کودک در طول زمان می‌شود (آلتچول، لی، و گرشف، ۲۰۱۶؛ گرشف و گرگان-کایور، ۲۰۱۶؛ گرشف، لانسفورد، سکستون، دیویس-کیان و سامروف، ۲۰۱۲). هرچه کودکان بیشتر تنبیه شوند، پرخاشگرتر، مشکلات رفتاری‌شان بیشتر، مشکلات سلامت روانی زیادتری را تجربه و در آزمون‌های توانایی‌های شناختی ضعیف‌تر عمل می‌کنند (گرشف و گرگان-کیلور، ۲۰۱۶). در نتیجه تنبیه بدنی در رسیدن به اهداف والدین در بهبود رفتار کودکان بی‌اثر است و در عوض خطر تجربه طیف وسیعی از پیامدهای جانبی منفی توسط کودکان افزایش می‌یابد.

یکی از این پیامدهای جانبی، آسیب جسمی به کودکان است. علی‌رغم ملایمت رایج در «زدن به پشت بچه‌ها» که خشونت را به حداقل برساند، تنبیه جسمی شامل ضرب و شتم و آزار کودکان است (گرشف، ۲۰۱۳). بزرگ سالان بزرگ‌تر و قوی‌تر از کودکان هستند و وقتی بچه‌ها را با دست یا اشیاء می‌زنند، خطر ایجاد آسیب جسمانی افزایش می‌یابد؛ بنابراین تعجب‌آور نیست والدینی که از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند، خطر سوءاستفاده جسمانی از فرزندان خود را افزایش دهند (گرشف و گرگان-کایور، ۲۰۱۶؛ لی، گروگان-کایور، و برگر، ۲۰۱۴).

در حقیقت، به نظر می‌رسد تنبیه بدنی و سوءاستفاده جسمانی نقاطی در امتداد یک زنجیره واحد از خشونت علیه کودکان هستند. مطالعات پژوهشی که تنبیه بدنی و سوءاستفاده جسمانی را مورد بررسی قرار داده‌اند، نشان داده‌اند تنبیه بدنی با همان نتایج منفی برای کودکان همراه است که سوءاستفاده جسمی برایشان دارد (گرشوف و گروگان-کیلور، ۲۰۱۶). همچنین پژوهش‌ها در مورد تجربیات نامطلوب دوران کودکی نشان داده است بزرگسالانی که به یاد می‌آورند تنبیه شده‌اند، مشکلات سلامت روانی و سوءمصرف مواد بیشتری را نسبت به بزرگسالانی دارند که در کودکی تنبیه نشده و یا بیش از حد سوءاستفاده جسمی یا هیجانی را تجربه نکرده بودند (عفیفی و همکاران، ۲۰۱۷).

شواهد محکمی که نشان‌دهنده خطرات تنبیه بدنی است باعث شده تا تعداد فزاینده‌ای از سازمان‌های حرفه‌ای مرتبط با کودکان و خانواده‌ها به شدت از تنبیه بدنی خودداری کنند. به عنوان مثال، انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۱۹)، آکادمی اطفال آمریکا (سیچ و سیگال، شورای کودک‌آزاری و غفلت، و کمیته روانی اجتماعی سلامت کودک و خانواده، ۲۰۱۸)، آکادمی روان‌پزشکی کودک و نوجوان آمریکا (۲۰۱۲)، انجمن حرفه‌ای آمریکا در مورد سوءاستفاده از کودکان (۲۰۱۶)، انجمن کودکان کانادا (انسوم، دورانت و ائتلاف در مورد تنبیه بدنی کودکان و جوانان، ۲۰۰۴)، انجمن روان‌شناسی کانادا (۲۰۰۴)، و انجمن ملی پرستاران طبی کودکان (۲۰۱۱) همه بیان کرده‌اند که تنبیه بدنی برای کودکان مضر است، والدین باید از این کار اجتناب کنند و اعضای آنها باید به والدین کمک کنند تا شکل‌های دیگری از نظم و انضباط را پیدا کنند. مراکز کنترل و پیش‌گیری از بیماری‌های ایالات متحده اخیراً راهنمایی در مورد پیش‌گیری سوءاستفاده از کودکان منتشر کرده است که خواستار مداخلات آموزشی و قانونی برای کاهش حمایت از تنبیه بدنی به عنوان راهکاری جهت جلوگیری از سوءاستفاده جسمی کودکان است (فورتسون، کلوین، مریک، گیلبرت، و الکساندر، ۲۰۱۶). این کتاب انواع مداخلات، از سطح فردی تا سطح اجتماعی را در برمی‌گیرد که می‌تواند از توصیه‌های این سازمان‌های حرفه‌ای برای کاهش استفاده والدین از تنبیه بدنی پشتیبانی کند. مخالفت با تنبیه بدنی کودکان محدود به سازمان‌های ایالات متحده و کانادا

نمی‌شود. در سطح جهان، تعداد فزاینده‌ای از گروه‌های بین‌المللی و کشورها برای کاهش یا از بین بردن تنبیه بدنی کودکان اقدام کرده‌اند. سازمان ملل متحد به طور واضح اظهار داشته است (کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۷) هر نوع تنبیه بدنی، هر چقدر هم که «ملايم» باشد، حق کودکان در برابر خشونت را تحت کنوانسیون حقوق کودک نقض می‌کند (سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹). کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد (۲۰۰۷) از کلیه کشورهایی که این لایحه را تصویب کرده‌اند، خواستار مجازات قانونی و ممنوعیت تنبیه‌های جسمی کودکان توسط والدین شده است. در نتیجه، ۵۶ کشور به فراخوان سازمان ملل توجه کرده‌اند و تنبیه‌های بدنی کودکان را به طور قانونی ممنوع اعلام کرده‌اند (ابتکار جهانی برای پایان دادن به هر تنبیه بدنی کودکان، ۲۰۱۹).

اگرچه تنبیه بدنی می‌تواند باعث آسیب شود و رفتار کودکان را بهبود نمی‌بخشد، اما در ایالات متحده و در سراسر جهان رواج دارد. در یک مطالعه بزرگ مبتنی بر جامعه خانواده‌های شهری آمریکایی، ۵۳ درصد از مادران و ۴۴ درصد از پدران کودکان سه ساله اظهار داشته‌اند حداقل یک‌بار طی یک ماه قبل از پژوهش، فرزند خود را تنبیه کرده‌اند (لی، آلتچول، و گرشوف، ۲۰۱۵). شیوع میزان تنبیه بدنی در مطالعات ملی بیش از ۸۰ درصد است (گرشف و همکاران، ۲۰۱۲)، این بدین معنی است که اکثر کودکان در ایالات متحده حداقل یک‌بار در طول زندگی خود تنبیه بدنی را تجربه می‌کنند. شیوع در سراسر جهان به همین میزان زیاد است: تقریباً دوسوم کودکان ۲ تا ۴ ساله (۶۳ درصد) در یک نظرسنجی جهانی طی یک ماه گذشته از نظر جسمی تنبیه شده‌اند (یونیسف، ۲۰۱۷). با استفاده از این کتاب قصد داریم، این وضعیت را تغییر دهیم.

کتاب حاضر

خبر خوب اینکه رفتارهای والدین انعطاف‌پذیر است و با آموزش می‌توان آن را تغییر داد. روش‌ها و رویکردهای متنوعی به طور موفقیت‌آمیز برای جلوگیری یا کاهش تنبیه بدنی توسط والدین مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود این، تلاش‌های بسیار کمی برای شناسایی و تحلیل این رویکردها صورت گرفته است. اخیراً یک بررسی تقریباً

جامع، از درمان والدین توسط آکادمی ملی علوم، مهندسی و پزشکی (۲۰۱۶) مداخلاتی با هدف کاهش تنبیه بدنی را اجرا کرد. نویسندگان این کتاب ۱۴ مورد از این مداخلات را با هدف مذکور توضیح داده‌اند. این کتاب بیشتر زنجیره‌ای پیگیرانه از مقاله‌هایی است که منتشر کرده‌ایم و خلاصه روش‌های کاهش تنبیه بدنی را نشان می‌دهد (گرفش، لی و دورانت، ۲۰۱۷). برای ارائه جزئیاتی که نتوانستیم در مقاله‌ها ارائه دهیم، در این کتاب هر مداخله را در فصلی جداگانه مورد بررسی قرار داده‌ایم. در هر فصل اطلاعاتی در مورد شواهد پایه و اساسی برای مداخله، تعمیم‌پذیری آن در جوامع و شرایط گوناگون، و چگونگی اجرای مداخله در اجتماعات و محیط‌های بالینی ارائه شده است. برای تسهیل مقایسه بین مداخلات، هر فصل ساختار مشابهی را دنبال می‌کند، ابتدا مداخله و محتوایی که مربوط به تنبیه بدنی است و چگونگی اجرای مداخله را شرح می‌دهد. در مرحله بعد، نویسندگان مبنای شواهد مربوط به مداخله را مرور کرده‌اند. در بیشتر مداخلات اطلاعاتی در مورد فرایند ارزیابی ارائه شده است. هر فصل شامل بحث در مورد محدودیت‌ها و همچنین پیشنهاد‌های کاربردی از برنامه‌ها در آینده است. این کتاب با یک پس‌گفتار به پایان می‌رسد که در آن مضامین مشترک انواع مداخلات خلاصه شده و در مورد مسیرها و خطوط هدایت‌کننده کارهای بعدی مطالبی بیان شده است.

این کتاب برای روان‌شناسان بالینی، پزشکان عمومی و سیاست‌گذاران علاقه‌مند به مداخلات مؤثر در کاهش و جلوگیری از تنبیه بدنی در سطح فردی، گروهی یا حتی اجتماعی در نظر گرفته شده است. همچنین این کتاب شامل اطلاعاتی است که درمانگران نیاز دارند تا تصمیم بگیرند کدام مداخله را بر اساس جنبه‌های مثبت و منفی آن و چگونگی به دست آوردن اصول و اساس مداخله اجرا کنند.

ما اعلام می‌کنیم که لیست‌مان، لیست جامعی از تمام مداخلات نیست، اما باور داریم که این لیست بیانگر محدوده و دسترسی به مداخلاتی است که باعث کاهش نگرش مثبت والدین نسبت به تنبیه بدنی یا استفاده از آن می‌شود. همچنین توجه داشته باشید که فصول کتاب، در بسیاری موارد، توسط تهیه‌کنندگان هر برنامه مداخله نوشته شده است. واقعیتی که باعث تقویت و غنای هرچه بیشتر کتاب می‌شود. تهیه‌کنندگان و

طراحان هر برنامه بیشتر با کار خود آشنا هستند و بنابراین می‌توانند معتبرترین و قابل‌اعتمادترین توصیف را از آن برنامه ارائه دهند. با این حال، دلبستگی و علاقه تهیه‌کنندگان به کار و برنامه خود نیز ممکن است هنگام بحث در باره اثربخشی آن، سوگیری داشته باشند. به همین دلیل، هر فصل در مورد محدودیت‌های برنامه و همچنین اینکه آیا این برنامه در مراکز علمی جمع‌آوری داده به تأیید رسیده و اعتبارسنجی شده است یا نه، می‌پردازد. این مراکز، اطلاعات مربوط به برنامه‌ها را جمع‌آوری کرده و میزان اثربخشی هر برنامه را ارزیابی و رتبه‌سنجی کرده یا گزارش‌هایی تهیه می‌کنند که انواع برنامه‌ها یا مداخلات خاص را توصیه کنند.

مبانی کاربردی و نظری کتاب

صدها مطالعه در مورد تنبیه بدنی در همه رشته‌ها (به عنوان مثال، روان‌شناسی، پزشکی، آموزش و پرورش) و در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف انجام شده است. این تحقیقات به‌طور پیوسته نشان داده‌اند که تنبیه بدنی باعث می‌شود خطر درگیری کودکان با مشکلات رفتاری افزایش پیدا کند و نتایج منفی دیگری همچون مشکلات سلامت روان را تجربه کنند (گرفش و گرگان-کایور، ۲۰۱۶). چندین نظریه قابل توجه و معروف در روان‌شناسی (به عنوان مثال، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه سوگیری اسناد خصمانه و نظریه دلبستگی) فرایندهایی را توضیح می‌دهند که به موجب آن والدین به‌طور فیزیکی فرزندان خود را تنبیه می‌کنند، احتمال وقوع پیامدهای منفی را در بر دارد؛ از جمله افزایش پرخاشگری، افزایش رفتار ضداجتماعی و نتایج تحصیلی و شناختی ضعیف‌تر (گرفش، ۲۰۰۲).

این کتاب همچنین تا حد زیادی در حوزه تحقیقات پیشگیرانه عمل می‌کند. در مروری بر تحقیقات پیشگیری و مداخله، انستیتوی پزشکی سه سطح مداخله را مشخص کرد: مداخلات مشخص، مداخلات انتخابی و مداخلات جهانی یا کلی (مرازک و هاگرتی، ۱۹۹۴). در شکل ۱ این سه نوع مداخله در یک نمودار هرمی که از نظر شدت و اندازه جمعیت هدف سازمان‌دهی شده است، نشان داده شده و جامعه هدف آن برای جلوگیری از تنبیه بدنی در هر نوع مداخله را نیز نشان می‌دهد. برای

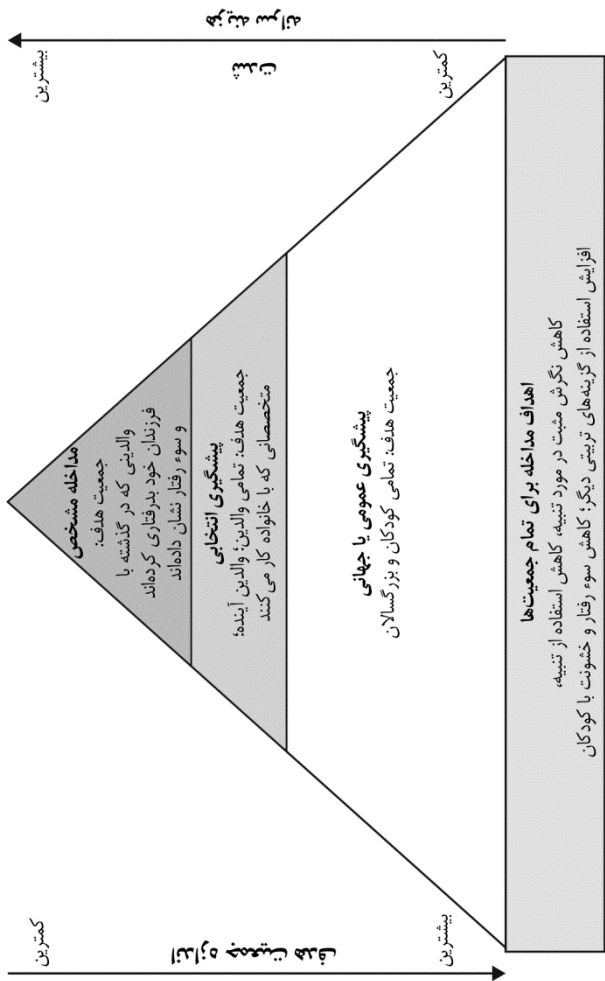
تغییر میزان رفتارهای نامطلوب در بین جمعیتی که قبلاً این رفتار را نشان داده یا برای انجام این کار در معرض خطر اساسی و قابل توجهی قرار گرفته‌اند، برنامه‌های مداخله‌ای خاصی در نظر گرفته شده است. از آنجا که این برنامه‌ها بسیار هدفمند هستند، برای کمترین تعداد از افراد به کار گرفته شده‌اند؛ اما چون خدمات متمرکز و فشرده‌ای را ارائه می‌کنند اغلب گران هم هستند. برنامه‌های پیشگیری و مداخلات نوع انتخابی، برای زیرگروه‌هایی از جمعیت انجام می‌شود که در حال حاضر یا در مقطعی از زمان، دارای میانگین رفتارهای پرخطر بالاتری هستند. برنامه‌های پیشگیری جهانی، کل جمعیت را هدف قرار می‌دهند و مبتنی بر هیچ‌گونه خطر خاصی نیست. آنها کمتر متمرکز و فشرده هستند و بیشترین میزان دسترسی را دارند و بنابراین، به‌طور معمول جزو ارزان‌ترین مداخلات نیز به شمار می‌روند.

مانند همه مداخلات، هر یک برنامه‌های موجود در این کتاب نیز بر اساس یکی از این سه سطح قابل طبقه‌بندی است؛ بنابراین، هر فصل با ذکر این نکته که مداخله توصیف شده از چه نوع و برای چه جمعیت هدفی در نظر گرفته شده (به عنوان مثال، همه یا گروه خاصی از خانواده‌ها) و چگونگی اجرای آن (مثلاً مداخله مشخص ممکن است به صورت فردی و مداخله جهانی باید به‌طور هم‌زمان برای صدها یا هزاران نفر) ارائه شده است. ما امیدواریم که این توضیحات برای هرکسی که می‌خواهد تصمیم بگیرد کدام مداخله برای کاهش تنبیه بدنی متناسب با اهدافش است، مفید باشد.

نتیجه‌گیری

مفتریم اعلام کنیم که ۱۴ مداخله را مورد بررسی قرار داده‌ایم. اثربخشی هر برنامه در کاهش استفاده از تنبیه بدنی مورد بررسی قرار گرفته است. معتقدیم که مداخلات و درمان‌های موجود در این کتاب برای روان‌شناسان بالینی که با خانواده‌های خاص یا گروه‌هایی از خانواده‌ها کار می‌کنند، درمانگرانی که امیدوار هستند به‌طور گسترده‌ای فرزندپروری درست را ارتقا دهند و سیاست‌گذارانی که در صدد هستند همه اشکال خشونت علیه کودکان را در سطح ملی کاهش دهند، مفید خواهد بود. همچنین امیدواریم که این کتاب ترویج و اجرای مداخلات شرح داده شده را افزایش دهد.

شکل ۱. سطوح و اهداف مداخله برای پیشگیری یا کاهش تشبیه بدنی



توسط گرشف، لی و دورانت (۲۰۱۷). کودک‌آزاری و بی‌توجهی: مجله بین‌المللی، ۷۱، ص. ۱۰.
کی‌رایت ۲۰۱۷، با کسب اجازه چاپ از الزویر.

منابع

- Affifi, T. O., Ford, D., Gershoff, E. T., Merrick, M., Grogan-Kaylor, A., Ports, K. A., . . . Peters Bennett, R. (2017). Spanking and adult mental health impairment: The case for the designation of spanking as an adverse childhood experience. *Child Abuse & Neglect: The International Journal*, *71*, 24–31. <http://dx.doi.org/10.1016/j.chiabu.2017.01.014>
- Altschul, I., Lee, S. J., & Gershoff, E. T. (2016). Hugs, not hits: Maternal warmth, not spanking, predicts positive child behaviors in the first five years of life. *Journal of Marriage and the Family*, *78*, 695–714. <http://dx.doi.org/10.1111/jomf.12306>
- American Academy of Child and Adolescent Psychiatry. (2012, July 30). *Policy statement on corporal punishment*. Retrieved from http://www.aacap.org/aacap/policy_statements/2012/Policy_Statement_on_Corporal_Punishment.aspx
- American Professional Society on the Abuse of Children. (2016). *APSAC position statement on corporal punishment of children*. Retrieved from <https://www.apsac.org/apsacpublications>
- American Psychological Association. (2019). *Resolution on physical discipline of children by parents*. Retrieved from <https://www.apa.org/about/policy/physical-discipline.pdf>
- Canadian Psychological Association. (2004). *Policy statements: Physical punishment of children and youth*. Retrieved from <https://cpa.ca/aboutcpa/policystatements/#physical>
- Durrant, J. E., Ensom, R., & Coalition on Physical Punishment of Children and Youth. (2004). *Joint statement on physical punishment of children and youth*. Retrieved from <http://www.cheo.on.ca/en/physicalpunishment>
- Fortson, B. L., Klevens, J., Merrick, M. T., Gilbert, L. K., & Alexander, S. P. (2016). *Preventing child abuse and neglect: A technical package for policy, norm, and programmatic activities*. Atlanta, GA: National Center for Injury Prevention and Control, Centers for Disease Control and Prevention. Retrieved from <http://www.cdc.gov/violenceprevention/childmaltreatment/index.html>
- Gershoff, E. T. (2002). Corporal punishment by parents and associated child behaviors and experiences: A meta-analytic and theoretical review. *Psychological Bulletin*, *128*, 539–579. <http://dx.doi.org/10.1037/0033-2909.128.4.539>
- Gershoff, E. T. (2013). Spanking and child development: We know enough now to stop hitting our children. *Child Development Perspectives*, *7*, 133–137. <http://dx.doi.org/10.1111/cdep.12038>
- Gershoff, E. T., & Grogan-Kaylor, A. (2016). Spanking and child outcomes: Old controversies and new meta-analyses. *Journal of Family Psychology*, *30*, 453–469. <http://dx.doi.org/10.1037/fam0000191>
- Gershoff, E. T., Lansford, J. E., Sexton, H. R., Davis-Kean, P., & Sameroff, A. J. (2012). Longitudinal links between spanking and children's externalizing behaviors in a national sample of White, Black, Hispanic, and Asian American families. *Child Development*, *83*, 838–843. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-8624.2011.01732.x>
- Gershoff, E. T., Lee, S. J., & Durrant, J. E. (2017). Promising intervention strategies to reduce parents' use of physical punishment. *Child Abuse & Neglect: The*

- International Journal*, 71, 9–23. <http://dx.doi.org/10.1016/j.chiabu.2017.01.017>
- Global Initiative to End All Corporal Punishment of Children. (2019). *Progress*. Retrieved from endcorporalpunishment.org
- Lee, S. J., Altschul, I., & Gershoff, E. T. (2015). Wait until your father gets home? Fathers' and mothers' spanking and development of child aggression. *Children and Youth Services Review*, 52, 158–166. <http://dx.doi.org/10.1016/j.chiayouth.2014.11.006>
- Lee, S. J., Grogan-Kaylor, A., & Berger, L. M. (2014). Parental spanking of 1-year-old children and subsequent child protective services involvement. *Child Abuse & Neglect: The International Journal*, 38, 875–883. <http://dx.doi.org/10.1016/j.chiabu.2014.01.018>
- Mrazek, P. J., & Haggerty, R. J. (Eds.). (1994). *Reducing risks for mental disorders: Frontiers for prevention intervention research*. Washington, DC: National Academies Press. National Academies of Sciences, Engineering, and Medicine.
- (2016). *Parenting matters: Supporting parents of children ages 0–8*. Washington, DC: The National Academies Press. <http://dx.doi.org/10.17226/21868>
- National Association of Pediatric Nurse Practitioners. (2011). NAPNAP position statement on corporal punishment. *Journal of Pediatric Health Care*, 25(6), e31–e32. <http://dx.doi.org/10.1016/j.pedhc.2011.07.003>
- Sege, R. D., Siegel, B. S., Council on Child Abuse and Neglect, & Committee on Psychosocial Aspects of Child and Family Health. (2018). Effective discipline to raise healthy children. *Pediatrics*, 142(6), e20183112. <http://dx.doi.org/10.1542/peds.2018-3112>
- UNICEF. (2017). *A familiar face: Violence in the lives of children and adolescents*. Retrieved from <https://data.unicef.org/wp-content/uploads/2017/11/VAC-Brochure-FINAL-10-31-17.pdf>
- United Nations. (1989, November 20). Convention on the Rights of the Child, G. A. Res. 44/25, U. N. GAOR, 44th Sess., at 3, U. N. Doc. A/RES/44/25. Retrieved from <http://www.unicef.org/crc>
- United Nations Committee on the Rights of the Child (CRC). (2007, March 2). *CRC General Comment No. 8 (2006): The right of the child to protection from corporal punishment and other cruel or degrading forms of punishment (CRC/C/GC/8)*. Retrieved from <https://www.refworld.org/cgi-bin/texis/vtx/rwmain?page=search&docid=460bc7772&skip=0&query=crc/c/gc/8>

آموزش مختصر آنلاین

جورج دبلیو هولدن و آلن س. براون

مداخله

دکتر جورج هولدن، از دانشگاه متدیست جنوبی، آموزش مختصر آنلاین^۱ را برای مداخله در تنبیه بدنی تهیه کرد. این مداخله فراگیر است و می‌تواند برای اکثر مخاطبان بزرگسال، از جمله والدین و افراد بدون فرزند، مورد استفاده قرار گیرد. این برنامه توسط افراد حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای قابل اجرا است.

پیشینه و نظریه تغییر

والدین نگرش‌های خود را درباره تنبیه بدنی از منابع مختلف به دست آورده‌اند. به طور معمول، این نگرش‌ها از تجربیات‌شان با روش‌های انضباطی والدین خود نشئت می‌گیرد (سیمونز و وورتل، ۲۰۱۰). همچنین نگرش در مورد تنبیه از ارزش‌ها و زمینه فرهنگی و نیز باورهای ذاتی در مورد کارآیی و اثربخشی تحمیل درد در کاهش رفتارهای ناخواسته شکل گرفته است. با وجود منابع عظیم تحقیقاتی که تاکنون منتشر شده است، بسیاری از افراد هنوز از عواقب منفی بالقوه‌ای که تنبیه بدنی در کودکان می‌تواند داشته باشد، آگاه نیستند. علاوه بر این، اگرچه متخصصان دوره کودکی تنها منبع قابل اعتماد مشاوره در زمینه انضباط و تنبیه کودکان هستند (تیلور، مولر، حموا و

1. Brief online education